



## بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر بسیج اجتماعی؛

### مطالعه موردی محله کشتارگاه در شهر یزد

نجما اسمعیل‌پور: استادیار شهرسازی، دانشگاه یزد، یزد، ایران\*

محمدحسن رحیمیان: کارشناس آبیاری و زهکشی، مرکز ملی تحقیقات شوری، یزد، ایران

سحر قربانی: کارشناس مهندسی شهرسازی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳، صص ۱۴۰-۱۲۳

#### چکیده

بافت‌های فرسوده حاشیه‌ای اغلب در زمره مناطق محروم شهر از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هستند و این امر عامل نارضایتی ساکنان، عدم پویایی و رونق حیات شهری در آنهاست. محله کشتارگاه از بافت‌های فرسوده شهر یزد است و وجه تسمیه آن به استقرار کشتارگاه شهر و واحدهای مرتبط با آن در این محدوده بازمی‌گردد. اکنون کشتارگاه و بسیاری از فضاهای مرتبط از محله خارج شده‌اند، اما پسماندهای غیرفعال و گاه فعال، تغییر کاربری برخی از این فضاها به کاربری‌های ناسازگار، ادامه اطلاق نام کشتارگاه، فرسودگی بافت و ... موجب استقرار گروه‌های فرودست در این محدوده شده و زمینه بروز مشکلات فراوان را فراهم آورده است. چنانکه نه تنها گرایشی از طرف سایر شهروندان شهر به ویژه طبقات اجتماعی متوسط و بالاتر برای سکونت در آن وجود ندارد، بلکه ساکنان کنونی هم در صورت فراهم شدن شرایط مهاجرت، تمایل به ترک محله دارند. هدف مقاله حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از تکنیک گروه‌های بحث انجام شده است، جستجوی راه‌های ارتقاء شاخص‌های سکونت در این محله با تکیه بر پاسخگویی به سئوالات ذیل است: آیا پدیده فقر اقتصادی، فقر اجتماعی-فرهنگی و فقر خدماتی به طور نسبی بر این سکونتگاه انسانی حاکمیت دارد و مردم آمادگی زدودن آنرا از محیط سکونت خود دارند؟ شیوه مناسب برای ارتقاء کیفیت سکونت در محله کدام است؟ نقش مردم و دولت در این خصوص چیست؟ براساس نتایج تحقیق: اهالی محله کشتارگاه؛ مردمانی کم درآمد و فقیر هستند؛ که عزم جدی برای همکاری و مشارکت در مراحل مختلف پروژه‌های فقرزدایی را دارند و بالاخره راهبرد بسیج اجتماعی شیوه مناسبی برای ارتقا شرایط مردم و سکونت در محله کشتارگاه است. در این رابطه، مردم با تشکیل گروه‌های بحث، قادر به شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آنها در محله خود هستند تا متناسب با هر مشکل، نقش خود و سازمان‌های محلی را برای حل آن و ارتقای شرایط سکونت، بر عهده بگیرند. واژه‌های کلیدی: بافت فرسوده، فقر، محله کشتارگاه، بازآفرینی، بسیج اجتماعی، مشارکت مردمی

## ۱- مقدمه

## ۱-۱- طرح مسأله

بازآفرینی شهری به مفهوم احیاء، تجدید حیات و نوزایی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر است. موضوعی با ابعاد کالبدی و غیرکالبدی که ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود. از این رو یک وجه در بازآفرینی شهری و توسعه درون‌زای بافتهای فرسوده، تلاش در جهت ایجاد تعادل و هماهنگی میان بنیانهای زندگی اجتماعی در این بافت‌ها آنهاست با استفاده از پویای اجتماعی مردم و مشارکت آنهاست. در میان سکونتگاههای فرسوده شهرها «فقر شهری» در انواع مختلف اعم از اقتصادی، خدماتی، اجتماعی - فرهنگی توأم با خرده فرهنگهای خاص بویژه خرده فرهنگهای کجرو اصلی‌ترین دلیل بیزاری شهروندان برای سکونت در این بافتهاست که تمایل مردم برای ترک آنجا را فراهم می‌کند. توان مالی محدود ساکنان نیز بر این امر دامن زده و امکان توسعه از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را براحتی فراهم نمی‌کند. محله کشتارگاه نیز بعنوان یکی از بافتهای فرسوده حاشیه‌ای شهر یزد دچار مشکلات متعدد از جمله نارسایی تاسیسات و خدمات شهری، آلودگیهای بصری و زیست‌محیطی، کیفیت پایین ساخت‌وسازها، فقدان امنیت اجتماعی، عدم تعلق ساکنین نسبت به محیط سکونت خود، وجود مشاغل غیررسمی، بالابودن سهم بیکاری، نداشتن بنیانهای پایدار اشتغال و فعالیت، تسلط سکونت‌اقتشار فرودست اقتصادی - اجتماعی و... است. نادیده گرفتن مسائل موجود توأم با همجواری آن با کاربریهای ناسازگار اعم از زندان، گورستان عمومی شهر؛ مجاورت با بیابانها و تپه‌های ماسه‌ای و شنی و

قرارگیری در معرض بادهای نامطلوب و طوفان‌های گردوخاک؛ همچنین وجود کاربری‌های فعال و غیرفعال باقی مانده مرتبط با کشتارگاه نظیر انبارهای علوفه و دامداری‌ها و... و بالاخره وجود چندین کارگاه مزاحم شهری منجمله کارگاه جداسازی زباله‌های شهری، کارگاه خرید و جداسازی آهن‌آلات دست دوم و... به آسیب‌پذیری هر چه بیشتر آن و عدم همبستگی محله و سیستم شهر دامن می‌زند. از نظر اجتماعی، محله دچار فرسودگی و پس‌زدگی ذهنی شده‌است؛ به گونه‌ای که نه تنها گرایش از طرف سایر شهروندان شهر بویژه طبقات اجتماعی متوسط و بالاتر برای سکونت در آن وجود ندارد، بلکه ساکنان کنونی آن هم در صورت فراهم شدن شرایط سکونت در سایر نقاط شهر تمایل به مهاجرت و ترک محله را دارند. وجود این سکونتگاه در کنار شهر نه تنها با عدالت اجتماعی و ارزش‌های اعتقادی و انسانی فاصله زیادی دارد، بلکه می‌تواند زمینه بروز مسایل اجتماعی و اختلالات سیاسی نیز گردد.

## ۱-۲- اهمیت و ضرورت

در بررسی گستره فقر شهری و شناسایی سکونت‌گاه‌های فرسوده شهر یزد، ۱۰ محله فرودست با مساحت ۲۸۰۸ هکتار و جمعیت بیش از ۸۰ هزار تشخیص داده شده که بطور پیوسته با شهر یزد شکل گرفته‌اند. با توجه به رشد و توسعه روز افزون شهر یزد به سمت حاشیه و اینکه عدم توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب بافتهای فرسوده حاشیه‌ای از یک سو به تداوم افول کیفیت زندگی در این بافت منجر، و از سوی دیگر به آسیب‌پذیری هر چه بیشتر آن و عدم همبستگی ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی این محلات با سایر محلات و سیستم شهر دامن می‌زند؛

برای ساماندهی نیروهای مردمی و بخش خصوصی در بازآفرینی این‌گونه بافت‌ها وجود دارد. ثانیاً؛ مدیران شهری موظفند بستر لازم برای بسیج نیروهای مردمی را فراهم آورند، و بالاخره؛ تشکیل و تقویت شورایاری محله، بهره‌گیری از تشکلهای، انجمن‌ها و گروههای موجود فرصتی خوب برای پیوند نزدیک میان مدیران شهری و شهروندان در این راه بشمار می‌روند (فنی و صادقی، ۱۳۸۸: ۷۳-۵۷). آیینی و اردستانی در پژوهش «بازآفرینی و مشارکت مردم...» ضمن اشاره به اینکه: در بافتهای فرسوده شهری «فقر کالبدی» و «فقر خدماتی» مترکم شده و بدلیل «فقر اقتصادی» امکان تغییر خودبخودی و ارتقا محیط زندگی مناسب تقریباً از بین رفته‌است؛ برای توانمندسازی آحاد مرتبط با بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری اقدام و برنامه‌ریزی در سه محور را لازم می‌دانند: ایجاد انگیزه موثر بین مالکان، سازندگان و سرمایه‌گذاران غیردولتی؛ ایجاد فضای اعتمادآفرین برای مشارکت مالکان، سازندگان و سرمایه‌گذاران غیردولتی با همدیگر؛ ایجاد بستر قانونی مناسب برای التزام مردم به نوسازی و یا مشارکت در امر نوسازی و رفع موانع قانونی موجود. آنها در ادامه ضمن ارائه هرم بازآفرینی و مشارکت مردم (شکل ۱) می‌نویسند: در صورت فراهم شدن موارد انگیزشی موثر و نیز فضای اعتمادآفرین، اکثر مردم و بخش خصوصی با جریان نوسازی همراه می‌شوند (آیینی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۰). رفعیان و دیگران هم روش گروههای بحث را برای درک و بازخوانی مسائل و مشکلات اجتماعی و یافتن راهکارهای مداخله در محلات فقیرنشین شهر بندرعباس بکار گرفتند (رفعیان و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۷).

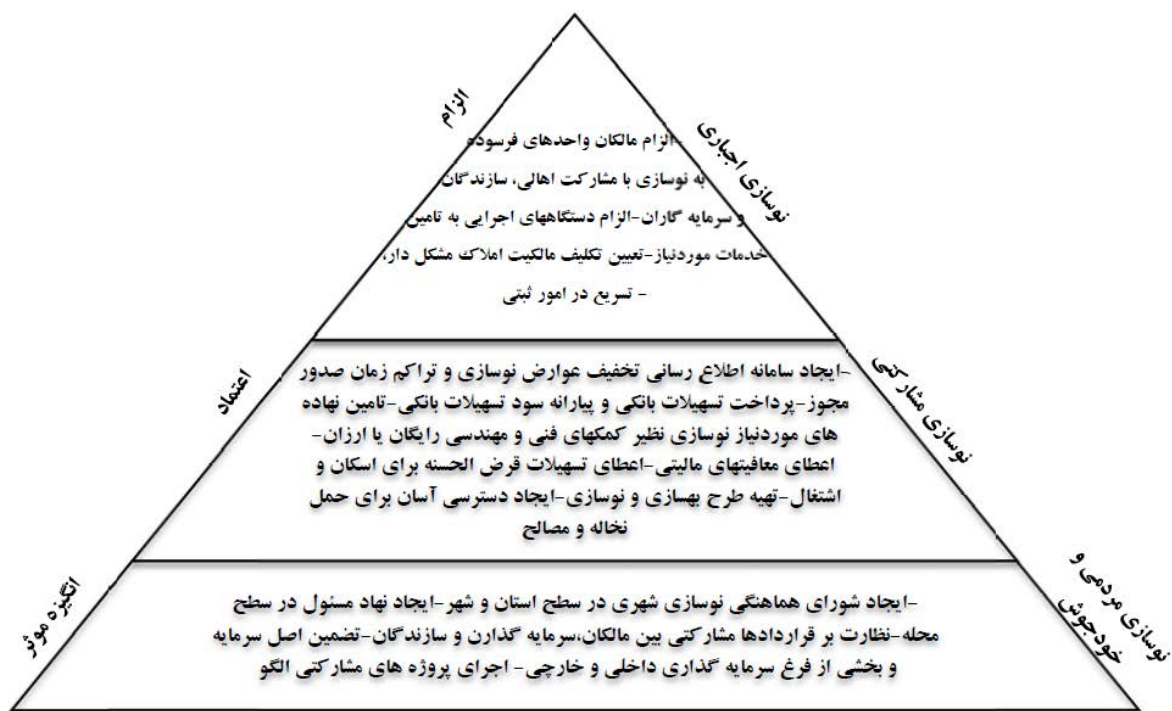
در راستای ارتقای کیفیت زندگی در این بافت‌ها و جلوگیری از گسترش آنها تحقیق حاضر مهم می‌نماید.

### ۱-۳- اهداف پژوهش

بسترسازی برای ارتقاء محیطی به نحوی پایدار و فراگیر با استفاده نقش موثر مردم و سازمان‌های محلی؛ رفع انواع فقر و محرومیت و اختلاف سطح زندگی میان بافت فرسوده «محله کشتارگاه» با سایر محلات شهر یزد و ایجاد زمینه برای بهره‌مندی ساکنان آن از امکانات و امتیازات شهری در عرصه‌های مختلف با استفاده از پتانسیل مشارکت مردمی و بالاخره ایجاد انسجام و پیوند میان این محله با سایر محلات شهر یزد مهمترین اهداف تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

### ۱-۴- پیشینه پژوهش

پوراحمد و همکاران طی پژوهشی به مفهوم شناسی رویکرد بازآفرینی شهری و تبیین اصول، راهبردها و فرآیند آن پرداخته‌اند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۳). ارزیابی انجام شده در خصوص مداخله در بافتهای فرسوده شهری توسط جبّاری و همکاران، بیانگر این است که شیوه مداخله در بافتهای مذکور فن‌سالار، اقتداری و از بالا به پایین، با نگرش غیرمشارکتی و اجباری برنامه‌ریزان به مداخله و جابجایی، هزینه‌های اجتماعی مداخله و تمایل زیاد لیکن امکان متوسط یا کم مشارکت سرمایه‌گذار بوده‌است (جبّاری و همکاران، ۱۳۸۷). فنی و صادقی در پژوهش «توانمندسازی حاشیه‌نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری...» ضمن انتقاد از برنامه‌های آمرانه، یکجانبه، از بالا به پایین و بدون مشارکت مردم در تجارب ایران و جهان، بر راهکارهای مشارکت‌جویانه و توانمندسازی اجتماعات محلی تأکید کرده و دریافتند: اولاً؛ توان‌های فراوانی



شکل ۱- هرم بازآفرینی و مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری

ماخذ: (آیینی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۵۲)

#### ۱-۵- فرضیه‌ها

بنظر می‌رسد فقر اقتصادی، فقر اجتماعی - فرهنگی و فقر خدماتی بطور نسبی بر این سکونتگاه انسانی حاکمیت دارد. اما اهالی ساکن، آمادگی زدودن چهره انواع مختلف فقر از محیط سکونت خود را از طریق بسیج اجتماعی در قالب مشارکت‌های مردمی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌هایی که دولت قصد انجام آنرا داشته باشد، دارند.

#### ۱-۶- روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است. برای توصیف داده‌های کمی از شاخص میانگین و برای توصیف صفات کیفی درصد محاسبه شد. شیوه گردآوری داده‌ها مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی است. مطالعات میدانی به دو صورت انجام شد: الف- از طریق تشکیل

گروه‌های بحث که تکمیل پرسشنامه‌ی آنها با مصاحبه، بمنظور دریافت نظرات آنها پیرامون «زمینه و نحوه مشارکت مردم در فقرزدایی» و «نگرش و مکانیسم استقرار راهبرد بسیج اجتماعی برای بازآفرینی محله» انجام گرفت و ب- تهیه و تکمیل پرسشنامه به منظور تعیین ویژگیهای جامعه آماری. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانوارهای ساکن محله کشتارگاه و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - تصادفی است. در این رابطه ابتدا تمام محدوده به سه زیر محله تفکیک و بر حسب تصادف یکی از آنها انتخاب گردید. سپس با توجه به حجم ۶۳۲ خانواری این محدوده، تعداد ۹۵ پرسشنامه (معادل ۱۵٪ حجم جامعه) بصورت تصادفی میان خانوارهای نمونه توزیع و از طریق مصاحبه در زمستان ۱۳۸۸ تکمیل گردید.

## ۷-۱- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

- فقر: پدیده فقر از گذشته تاکنون با انسان عجین بوده و یکی از مسائل عمده در جوامع و فرهنگ‌های شناخته شده بشری و نتیجه نابرابری شدید اقتصادی- اجتماعی است. در خصوص مفهوم فقر، ارائه تعریفی که برای زمانها و مکانهای مختلف یکسان باشد، مقدور نیست. به طور کلی فقر هنگامی در یک جامعه بروز می‌کند که برخی افراد از سطح معینی از رفاه که طبق معیارهای آن جامعه حداقل معقول تلقی می‌شود، برخوردار نباشند. بدین ترتیب ممکن است در یک کشور محرومیت از امکاناتی که برای حیات ضروری است فقر تلقی و در کشوری دیگر فقر به معنای محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی معقول بحساب آید (پیرایی و شفیقی: ۳۵) در دیدگاه سنتی، فقر عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود. اما امروزه معیارهایی نظیر عقب ماندگی در آموزش و پرورش، آسیب‌پذیری و در معرض خطرهای محیطی بودن، بی‌پناهی و بینوایی را نیز شامل می‌شود (صادقی و مسائلی: ۱۵۳). رئیس دانا (۱۳۷۹) نیز فقر را عبارت از نارسایی در تامین نیازهای اجتماعی می‌داند (رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۷). فقر پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که از فقدان یا ناتوانی در تامین حداقل نیازهای انسانی ناشی می‌شود و فقیر به کسی اطلاق می‌شود که فاقد فابلیت و توانایی کافی برای تامین ضروریات و نیازهای اساسی زندگی باشد. فقر دو مفهوم را شامل می‌شود: اول؛ فقر به عنوان عدم دسترسی به امکانات معیشتی معین است که طبق آن هر گاه کلی هزینه‌ها یا میزان مصرف کالاهایی خاص توسط فرد از حد معینی کمتر باشد وی فقیر تلقی

می‌شود. در مفهوم دوم حق برخورداری از منابع و امکانات اجتماعی- اقتصادی است که اگر درآمد فرد از میزان معینی پایین‌تر باشد، به آنها دسترسی نخواهد یافت (راغفر و ابراهیمی: ۵۹-۵۸). به این ترتیب، فقر ابعاد وسیعتری یافته و از «فقر درآمدی (اقتصادی)» صرف به «فقر قابلیت و محرومیت از تواناییهای اساسی (فقر اجتماعی)» و «محرومیت از خدمات رفاهی (فقر خدماتی)» تحول یافته‌است. از این منظر فقرزدایی نیازمند رویکردی وسیع به فقر و تمایز سه بعد مرتبط و بهم پیوسته آن است: الف) فقر درآمد و دارایی- معیشت پایدارب) فقر مشارکت و قدرت ج) فقر دسترسی به خدمات اساسی» (جباری، ۱۳۸۴: ۴):

- مشارکت مردمی: عبارت است از «فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محوله محیط مسکونی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهم می‌شوند» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۳). مشارکت یعنی همکاری همراه با کنترل شهروندان و سهم شدن در قدرت و در فرآیند تهیه طرح‌ها. چرا که توانمندسازی اجتماعات، هدف غایی مشارکت است (Sanoff, 2000: 8). مشارکت اجتماعی حضور و دخالت داوطلبانه، آگاهانه و خلاق مردم در تصمیم‌گیریها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های گوناگون و قابل انجام در سازمانهای محلی خود از یکسو و حضور و همسویی با تفکرات، ایده‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست. شامل برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرحها و برنامه‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است. فرایندی عمومی، یکپارچه و

جمعیت ۶۳۲ خانوار ساکن در سال ۱۳۸۸- جمعیت محدوده از طریق شمارش پارس‌های مسکونی و با فرض سکونت یک خانوار در هر واحد مسکونی بدست آمده است - واقع در حدفاصل خیابان‌های شهید دستغیب، نواب صفوی، کشتارگاه و بلوار صابر یزدی است.

## ۲- دیدگاه‌ها و مبانی نظری

امروزه درگیری و مشارکت مستقیم مردم در اجتماعات فقیر، در برنامه‌های کاهش فقر و بهبود وضعیت محیط سکونت آنها به ارکان جدی سیاست‌ها و راهبردهای دولتها تبدیل شده‌است.

- «رویکرد توانمندسازی» بر دیدگاه فقرزدایی استوار است و در توسعه پایدار انسانی محور با تکیه بر مشارکت شهروندان و شهر (مدیریت شهری) پیش می‌رود. بنا به تعریف، فرآیندی است که طی آن افراد از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرات دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند (کتابی و دیگران: ۱۳۸۲، ۵) توانمندسازی را به صورت استراتژی مدیریتی برای تسهیم قدرت تصمیم‌گیری، از دیدگاه کیفیت‌گرایی به عمل ایجاد و افزایش قدرت از طریق همکاری با یکدیگر نیز تعریف کرده‌اند. و در تعریف دیگر آن را عمل اعطای مسئولیت به افرادی می‌دانند که از نزدیک با مسائل سروکار دارند برشمرده‌اند (ره‌نورد و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

هدف از توانمندسازی مدنی افزایش احساس تعلق به محله و پاسخگویی مناسب اهالی به پرسش «سهم دولت - سهم مردم» در ساماندهی محله است. آنچه در این رهیافت محوریت دارد، تاکید ویژه بر

چند بعدی که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه بوده (پاتریک، ۱۳۷۴: ۱۱۹) و شامل مهیا کردن منابع محلی و حمایت از داده‌های درونی برای ایجاد کارائی بالاتر است (Lowe et al, 1999:12).

- بافت فرسوده محله کشتارگاه یزد: بر اساس شاخصهای مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بافت فرسوده شهری به محدوده یا بلوک شهری اطلاق می‌شود که بیش از ۵۰٪ بناهای آن ناپایدار، معابر آن نفوذناپذیر و املاک آن ریزدانه باشد. محله کشتارگاه، بنا بر نتایج «طرح شناسایی و ساماندهی سکونتگاه فرسوده شهر یزد» بعنوان یکی از بافتهای فرسوده این شهر شناخته شده‌است (مهندسین مشاور آمایشگران متوازن، ۱۳۸۷: گزارش چهارم)

- بازآفرینی: به معنی احیا، تجدید حیات و نوزایی شهری و عبارتی دوباره زنده شدن شهر است و بعنوان یک واژه عام در ادبیات شهرسازی مفاهیم بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی، روان‌بخشی و نوزایی شهری را در برمی‌گیرد.

- بسیج اجتماعی: فرآیندی پویا به معنای سازماندهی مردم ساکن در یک اجتماع همانند، برای دستیابی به اهداف ویژه (رفاه خود و خانواده و جامعه آنها) با این فرض اساسی که آنها قابلیت‌های بسیار برای رسیدن به این هدف دارند.

## ۱-۸- محدوده پژوهش

محله کشتارگاه با مساحت ۳۲۹ هکتار و جمعیت ۵۳۲۸ نفر در سال ۱۳۸۷ (مهندسین مشاور آمایشگران متوازن: گزارش چهارم: ۲۳) واقع در شمال شهر یزد و محله نهم از ناحیه ۱ و منطقه ۲ شهر یزد است. محدوده مورد مطالعه، بخشی از محله کشتارگاه با

و مدیریت فرآیند توسط خود اجتماع<sup>۱</sup> استتقاده می‌کنند (UN-HABITAT, 2003:131).

- رویکرد «توسعه اجتماعی» از دهه ۱۹۷۰ توسط سازمان ملل بکار گرفته شد که در این یکپارچگی اهداف اقتصادی و اجتماعی، اصلاحات ساختاری و نهادی و افزایش ظرفیتهای فردی و اجتماعی و تأمین مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها از عناصر اصلی این رویکرد است. در این دیدگاه، انسانها باید بعنوان آفرینش‌گران فعال در فرآیند تکوین و تولید توسعه مشارکت داشته و توسعه واقعی حاصل رفتارهای خلاق عاملین انسانی توسعه باشد. مردم باید بطور دائمی و در جریان برنامه‌ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابیهای طرحهای توسعه مشارکت داشته و با رفتارها و تصمیمات خود توسعه را بیافرینند. در این رابطه، مشارکت جمعی بر مشارکت فردی اهمیت بیشتری دارد. مشارکت مردم با عاملیت سازمانهای غیردولتی، سازمانهای مدنی محلی و اجتماعات محلی صورت گیرد (قانعی راد، ۱۳۸۴: ۲)

- «توسعه اجتماع محور» بر ایجاد بافت اجتماعی که در آن تار و پود جامعه از طریق شبکه‌های ارتباطی، هنجارها و اعتماد بهم پیوسته است، تأکید دارد. بنابراین، هماهنگی و همکاری در آن تسهیل می‌شود. در این رویکرد، باید ظرفیت و تواناییهای افراد، انجمنها و نهادهای مردمی را تعیین و آنها برای مقاصد توسعه بسیج کرد. کوشش‌های موثر معطوف

افزایش درآمد و فقرزدایی خانوار است، که در این راستا آموزشهای حرفه‌ای و بالا بردن مهارت نیروی کار و کمک به آنان در دسترسی به منابع و سازماندهی و بازاریابی بهتر کسب و کارشان به ویژه با میانجی‌گری سازمانهای غیردولتی و محلی بسیار با اهمیت است.

مهمترین اصول و ابعاد رهیافت توانمندسازی عبارتند از: مشارکت مردمی و برنامه‌ریزی با همکاری مردم، تمرکززدایی در تصمیم‌گیری، ارتقا موقعیت زنان و برابری جنسیتی، به رسمیت شناختن گروههای سنی اجتماع و ظرفیت‌سازی مدیریت محلی (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸: ۲۶). این راهبرد بر بسیج تمامی امکانات و منابع برای بهبود شرایط زندگی مناطق فقیرنشین شهر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویتها و نیازهای خود بهبود بخشند. در این رویکرد مرکز توجه، ساکنان و مردم هستند و دولت متعهد می‌گردد که تسهیلات لازم را برای مردم در این زمینه فراهم کند. توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافت نوینی برای حل مساله فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را رهگشا نمی‌داند. بلکه، مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی با مشارکت فعال ساکنان مورد نظر است (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۷). در رویکرد توانمندسازی اجتماع محلی، دولت‌های محلی و ملی برای هماهنگی و تسهیل کوشش سازمان‌ها و اجتماعات محلی و محله محور، برای برنامه‌ریزی و اجرای طرحهای خود از اصول «تعیین هدف و مسیر توسط خود اجتماع، سازماندهی توسط خود اجتماع

<sup>1</sup> - Self Determination, Self Organization & Self Management

۲- توسعه را می‌توان به مثابه فرایند پایدار تقویت رفاه و حیثیت همه افراد در یک جامعه عادلانه و امن دانست. پس، کاهش فقر (بعنوان یک اقدام تخفیفی و نه پیشگیرانه) بخش جدانشدنی فرآیند توسعه محسوب می‌شود.

حل مشکلات ناشی از فقر آنهاست». بسیج اجتماعی که در مفهوم وسیعتر به معنای سازماندهی افراد در اجتماع همانند بر مبنای اهداف ویژه است. فرآیندی پویا، مشارکتی توأم با مقتدر شدن افراد به منظور ارتقاء وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آنها در یک شیوه پایدار تعریف شده است. در این رهیافت، تنها راه فقرا برای غلبه بر مشکلات آنها شرکت مستقیم آنان در تدوین سیاستهای اجتماعی، پیشبرد طرح‌ها، اجرای آنها در سطح جامعه و تقسیم منافع حاصل از آنهاست (اوین، الس و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰۷). هدف بسیج اجتماعی بکارگیری توانایی و خواست نهفته اقشار فرودست بعنوان شرکای اصلی فقرزدایی برای کمک به خودشان است و در این خصوص سه راهبرد «توسعه سازماندهی و نهادی فقرا از طریق تشویق و تسهیل تشکیل سازمانهای اجتماعی گروههای فقیر»، «شکل‌گیری سرمایه و منابع مالی برای فقرا از طریق تشویق آنها به پس‌انداز و جذب منابع مالی سایرین» و «توسعه مهارت‌های آنان از طریق آموزش هدفمند» بهره می‌گیرد.

راهبرد بسیج اجتماعی بدنبال اقتدار اجتماعی، مالی و سیاسی اهالی یک اجتماع فرودست است و برای هریک راهکارهایی را به شرح ذیل در نظر می‌گیرد:

الف- اقتدار اجتماعی با تشویق احساس جمع‌گرایی و همبستگی گروهی؛ افزایش مداخله و مشارکت گروه‌های محروم در فرایند تصمیم‌گیری و انجام فعالیت‌های اجتماعی؛ تقویت مهارت‌های مدیریتی.

ب- اقتدار مالی باهدف خود اتکایی اقتصادی گروههای محروم با افزایش ظرفیت‌های شغلی؛ ایجاد زمینه دسترسی به تکنولوژی و منابع خارجی؛ کاهش

به توسعه اجتماعی مبتنی بر نقشه‌داریها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های اجتماع محلی است. باید همه داراییهای در دسترس را تعیین و آنها را برای افزایش اثربخشی با همدیگر در رابطه قرار داد و نهادهای محلی لازم برای مقاصد توسعه را سازماندهی کرد. «نقشه‌کشی دارایی اجتماع محلی» فرایندی ارزشمند برای تعیین منابع و ظرفیتها و جمع‌آوری اطلاعات مفید در باره آنها و پیوندهای آنهاست. نهایتاً؛ رویکرد توسعه اجتماع مدار بر تعیین و کاربرد داراییها و استعدادها برای توسعه تاکید دارد و معتقد است هر کسی برای ارائه به جامعه خود توانایی یا هدیه‌ای دارد (همان: ۲۰).

- «نیازهای اساسی توسعه» اختصاراً BDN نام دارد- و خود یک راهبرد در رویکرد توسعه اجتماع‌محور محسوب می‌شود - فرآیندی است متکی بر دخالت کامل اجتماعی محلی که در آن هدف سلامتی نسبت به سایر اهداف ارجحیت دارد. عوامل تعیین‌کننده سلامت شامل آموزش، مسکن، درآمد، آب سالم، تغذیه، خوراک و امنیت اجتماعی است. راهبردهای پنجگانه آن نیز عبارتند از: سازماندهی اجتماع و مشارکت فعال آنان برای بهبود کیفیت زندگی خود؛ حمایت بین بخشی هماهنگ بنحوی که وزارتخانه‌ها منابع خود را برای حمایت از اجتماعات بسیج کنند؛ تعریف و تدارک برنامه‌های قابل اجرا توسط اجتماع، توسعه یکپارچه و پایدار؛ خوداتکایی و خویش‌فرمایی به مفهوم مدیریت فعالیت‌ها توسط اجتماع محلی.

- «بسیج اجتماعی و اعتبارات خرد» راهبرد دیگری در توسعه اجتماع محور است و اصل بنیادین آن «سازماندهی فقرا برای شناسایی و بکارگیری راه



از شاخص هزینه شاخص هزینه سرانه هر خانوار به عنوان نماینده درآمد خانوار به این علت استفاده شد که اولاً: هزینه‌های خانوار از اعتبار آماری بیشتری برخوردار است و حساسیت درآمد را در نظر پاسخگویان ندارد و ثانیاً: داده‌های خام این شاخص در طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ وجود دارد. میانگین سرانه هزینه ماهیانه هر فرد خانوار ساکن محله کشتارگاه در سال ۱۳۸۸ معادل ۷۵۸۹۱۰ ریال و میانگین این شاخص برای خانوارهای شهری شهرستان یزد در همین سال ۱۱۴۱۰۵۳ ریال است (استاندارد یزد، ۱۳۸۶: ۷۹۳) که نشان دهنده استقرار گروه درآمدی پایین در این محله است. علاوه بر این، در تقسیم بندی خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۵ به گروه درآمدی پایین، متوسط و بالا<sup>۳</sup>، سرانه هزینه ماهیانه هر فرد خانوار شهری در گروه درآمدی پایین ۷۸۲۴۷۵ ریال است. بر مبنای این تقسیم‌بندی نیز خانوارهای ساکن محله کشتارگاه از نظر اقتصادی در گروه درآمدی پایین قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، میزان نرخ بیکاری محدوده ۹٪ که نسبت به میانگین نرخ بیکاری جامعه شهری شهرستان یزد در سال ۱۳۸۵ بالاتر و از نظر رده بندی مشاغل نیز ۷۹٪ سرپرستان خانوارهای ساکن در مشاغل رده پایین شامل مشاغل کارگری و کارکنان خدماتی و فروشندگی مشغولند (جدول ۱)

۳- براساس طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار شهری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، سرانه هزینه سالانه هر فرد در گروه درآمدی پایین کمتر از ۹۳۸۹۷۰۹ ریال، گروه درآمدی متوسط از ۹۳۸۹۷۰۹ تا ۱۷۶۱۱۹۳۳ ریال و گروه درآمدی بالا بیش از ۱۷۶۱۱۹۳۳ ریال است (پیمان، ۱۳۸۶: ۷۲)

وابستگی به منابع (مالی) نخبگان مالی؛ تقویت ظرفیتهای محلی برای مقابله با فشار نیروهای بازار. ج- اقتدار سیاسی به هدف قادرسازی گروههای محروم برای تصمیم‌گیری پیرامون موضوعات مرتبط با آنها و محیط سکونتشان از طریق افزایش مهارتهای رهبری در آنها؛ حمایت از نظرات و خواسته‌های آنها، افزایش توانایی آنها برای ورود به جریان‌های سیاسی.

- «صندوق‌های اجتماعی» - راهبرد سوم در توسعه اجتماع محور- سازوکاری است که بطور مستقیم پروژه‌های کوچک را که توسط اجتماع محلی مدیریت می‌شوند، تامین مالی می‌کند. جوامع محلی با تامین مالی صندوق‌های اجتماعی و مساعدتهای فنی آنها، اولویت‌های توسعه خود را مشخص، پیمانکاران را بکار گرفته و سرمایه‌های پروژه را مدیریت می‌کنند و پس از اجرای پروژه از آن نگهداری می‌کنند. این صندوقها وظیفه تامین مالی پروژهها و برنامه‌های اجرایی ایجاد اشتغال، ایجاد ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بر اساس تشخیص نیازهای جامعه محلی توسط خود آنهاست (جباری، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱).

### ۳- تحلیل یافته‌ها

#### ۳-۱- بررسی وضعیت فقر در محله کشتارگاه

۳-۱-۱- فقر اقتصادی: فقر نسبی (کم درآمدی) به این معناست که سطح زندگی فرد نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه، وضعیت مناسبی نداشته باشد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹: ۲۳). میزان هزینه خانوارها (بعنوان نماینده درآمد)، بیکاری و نوع رده شغلی سه شاخصی هستند که برای بررسی پایگاه اقتصادی خانوارهای ساکن محله کشتارگاه در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند.

## جدول ۱- توزیع مشاغل سرپرستان خانوارهای ساکن محله کشتارگاه در گروههای عمده شغلی و مقایسه آن با استان یزد

گروه‌های عمده شغلی	استان یزد (۱۳۸۵)	محدوده مورد مطالعه (۱۳۸۸)
قانون گذاران مقامات عالی رتبه و مدیران	۲,۵٪	۰٪
متخصصان	۹,۲٪	۰,۱۲٪
تکنسین‌ها و دستیاران	۲,۸٪	۱,۱٪
کارمندان امور دفتری و اداری	۴,۴٪	۳,۴۱٪
کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاهها	۷,۸٪	۶,۱۳٪
کارکنان مشاغل کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	۱۳,۳٪	۳٪
صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوطه	۳۴,۷٪	۰٪
متصدیان ماشین آلات	۱۰,۳٪	۰٪
کارگران ساده	۸,۸٪	۳,۴٪
سایر	۶٪	۵٪

۳/۷ نفر است بیشتر است. بنابراین، خانواده‌ها در این محله از گستردگی بیشتری برخوردارند. علاوه بر این سهم خانوارهای ۴ و ۵ نفره محله کشتارگاه مجموعاً ۳۹/۶٪ مجموع خانوارهاست (مهندسین مشاور آمایشگران توسعه متوازن، ۱۳۸۷).

میزان تحصیلات سرپرست خانوار: در بررسی میزان تحصیلات سرپرستان خانوارهای نمونه روشن شد ۶۲٪ آنها بیسواد یا دارای سواد ابتدایی هستند. ۱۱٪ دیگر نیز دارای مدرک سیکل و ۲۲٪ نیز دیپلم هستند (جدول ۲).

## جدول ۲- توزیع سواد میان سرپرستان خانوارهای نمونه

رده بندی تحصیلات	تعداد	درصد
بیسواد	۲۳	۲۴/۲
ابتدایی	۳۶	۳۷/۸
سیکل	۱۱	۱۱/۶
دیپلم	۲۲	۲۳/۱
بالتر از دیپلم	۳	۳/۱

سن سرپرست خانوار: میانگین سن سرپرست خانوارهای نمونه ۲۹/۹ و بیشترین فراوانی سنی آنها مربوط به طبقه ۲۵-۳۵ سال است.

۳-۱-۲- فقر اجتماعی- فرهنگی: بالا بودن اندازه خانوار به دلیل زاد و ولد بیشتر و نیروی کار دارای تحصیلات و مهارت پایین‌تر (حسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۵۲)، نظم‌گریزی و قانون‌گریزی (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱) به معنای نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که دارای ضمانت‌های اجرایی رسمی هستند؛ سن سرپرست خانوار؛ سهم هزینه‌های آموزشی و هزینه‌های بهداشتی از کل هزینه‌های خانوار (حسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۳-۱۶۲) از جمله شاخص‌های توصیف کننده فقر خانوارها هستند. در این تحقیق، از بخشی از شاخص‌های تبیین کننده فقر در محدوده استفاده شد که شاخصها و نتایج بررسی آنها بشرح زیر است:

- اندازه خانوار: ساکنین محله کشتارگاه ۴/۲ نفر می‌باشد که نسبت به مقدار نظیر آن برای شهر یزد که

۶- براساس فرضیه سیکل زندگی خانوارهایی که سرپرست آنان در سنین جوانی است، در رده های پایین درآمدی جامعه قرار خواهند داشت. زیرا، غالباً افراد کار خود را با درآمدهای پایین آغاز و بتدریج با بدست آوردن تجربه و آموزش بیشتر در یک سن مشخص به حداکثر درآمد در طول زندگی خود دست می‌یابند (حسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۴۹).

مصرف شود، مایل به پرداخت آن هستید؟» ۹۸٪ این گروه پاسخ مثبت دادند.

وجود دزدی، فروش و مصرف مواد مخدر: برای حصول آگاهی از وجود این مسائل بعنوان معرف‌های بی‌نظمی و قانون‌گریزی در محله، از مردم خواسته شد مشکلات موجود محله خود را اولویت‌بندی کنند. از نظر مردم، سه مشکل عمده اجتماعی محله کشتارگاه به ترتیب اولویت عبارتند از: وجود افغانه، وجود معتادین و قاچاقچیان مواد مخدر؛ دزدی. مردم در این رابطه عدم کارایی سیستم روشنایی تمام معابر و کوچه‌های محدوده در شب، وجود اراضی بایر و افتاده متعدد اعم از محصور و غیر محصور و نبود نظارت اجتماعی را در این رابطه از عوامل تأثیرگذار برشمردند. قابل ذکر است که در زمان انجام پژوهش حاضر ۱۹٪ خانه‌های محدوده غیرفعال بودند.

ریختن نخاله‌های ساختمانی در معابر و اراضی بایر محصور و غیر محصور درون محله: براساس مشاهدات و برداشتهای میدانی این گونه بی‌نظمی و قانون‌گریزی بصورت یک فرهنگ بر محله حاکمیت دارد (شکل ۱)



شکل ۱- ریختن زباله‌ها و نخاله‌های ساختمانی در حاشیه معابر

### جدول ۳- توزیع خانوارها بر حسب سن سرپرست

درصد	تعداد	رده بندی گروههای سنی
۱۴/۷	۱۴	۲۰-۲۵ سال
۲۶/۳	۲۵	۲۶-۳۰ سال
۲۷/۴	۲۶	۳۱-۳۵
۱۴/۷	۱۴	۳۶-۴۰
۳/۱	۳	۴۱-۴۵
۸/۴	۸	۴۶-۵۰
۳/۱	۳	۵۱-۵۵
۲/۱	۲	۵۶ و بالاتر

- بی‌نظمی و قانون‌گریزی: هرچند عوامل متعددی نظیر عدم توجه به بهداشت اماکن عمومی، ایجاد آلودگیهای صوتی و دیداری، عدم حفظ اماکن عمومی، آسیب رساندن به وسایط نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه، بی‌توجهی به قوانین و علائم راهنمایی و رانندگی و نیز پرداختنی به مشاغل غیرقانونی (ماهرویی، ۱۳۸۱: ۱۳) عدم پرداخت مالیات، ساخت و ساز بدون مجوز، اشتغال بدون مجوز، عدم پرداخت عوارض نوسازی و... می‌توانند در زمینه تبیین فقر اجتماعی - فرهنگی حاکم بر مجموعه قابل استفاده باشند، اما بنا به محدودیت بکارگیری تمامی آنها در عمل و تأکید بیشتر بر بی‌نظمی‌ها قانون‌گریزیها در حوزه مرتبط با مدیریت شهری، از برخی استفاده و نتایج بررسی آن به شرح زیر است:

پرداخت عوارض نوسازی و ضرورت آن: در میان نمونه‌های مورد بررسی تنها ۲۸٪ مدعی بودند که عوارض سالیانه خود را پرداخته‌اند. جالبتر آنکه، در میان ۷۲٪ باقیمانده بخش زیادی نسبت به پرداخت آن معترض بودند. اما در پاسخ به این پرسش که «اگر عوارض واصله مستقیماً برای ارتقا وضعیت محله

ایمنی و عدم توجه به حق تقدم عبور عابر پیاده برای موتورسواران بخش عمده تخلفات را تشکیل می‌دهند. ۳-۱-۳- فقر خدماتی: برای تبیین وجود فقر خدماتی در محله به کفایت کاربری‌های عمومی در محله اشاره می‌شود. براساس داده‌های جدول ۴ وضعیت سرانه هیچ یک از کاربری‌های شهری در محله کشتارگاه مطلوب نیست. علاوه بر این بر اساس نتایج «مطالعات ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آنها»؛ کمبود فضاهای آموزشی، بهداشتی- درمانی از نظر ساکنان محله دارای اهمیت بالا و کمبود فضاهای فرهنگی - مذهبی، ورزشی و فضای سبز دارای اهمیت متوسط ذکر شده است.

بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی: در این رابطه از یکسو از مردم خواسته شد میزان تخلفات و بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی را در یک از طبقات بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کنند و در این خصوص ۷۲٪ مردم معتقد به وجود تخلفات زیاد در محدوده بودند. از سوی دیگر با حضور در محل در سه زمان مراجعه به محل کار، بازگشت از محل کار و زمان خرید در یک تقاطع اصلی و یک از تقاطع‌های فرعی تخلفات قابل مشاهده برداشت گردید که بر اساس آن تغییر گردش بدون علائم هشداردهنده و عدم رعایت حق تقدم در گردش‌ها برای تمام وسایط و عدم استفاده از کلاه

جدول ۴- میزان و وضعیت کاربری‌های شهری در محله کشتارگاه بر حسب مترمربع

کاربری	نوع کاربری	سطح موجود	سرانه موجود	سرانه پیشنهادی	سطح مورد نیاز	کمبود سطح	وضعیت کمی
خدمات تجاری	فروش و تعمیر کالا، خدمات عمومی، خدمات مالی و ...	۴۴۷۶	۱/۶۶	۳	۳۵۹۱	- ۳۵۹۱	نامناسب
آموزشی	مهدکودک	-	-	۶	۲۱۶	- ۲۱۶	نامناسب
	دبستان	-	-	۷	۸۰۵	- ۸۰۵	نامناسب
	راهنمایی	-	-	۸	۲۴۸	- ۲۴۸	نامناسب
	دبیرستان	-	-	۹	۲۲۵۰	- ۲۲۵۰	نامناسب
مذهبی	مسجد و حسینیه	-	-	۰/۶	۱۶۱۳	- ۱۶۱۳	نامناسب
درمانی	درمانگاه	-	-	۰/۵	۱۳۴۴	- ۱۳۴۴	نامناسب
فضای سبز	بازی کودکان	-	-	۴	۱۰۷۵۶	- ۱۰۷۵۶	نامناسب
ورزشی	فضای روباز	-	-	۱/۸	۴۸۴۰	- ۴۸۴۰	نامناسب
بهداشتی	حمام و توالت عمومی و سایر	-	-	۰/۵	۱۳۴۴	- ۱۳۴۴	نامناسب
فرهنگی	کتابخانه عمومی	-	-	۰/۵	۱۳۴۴	- ۱۳۴۴	نامناسب
اراضی بایر	اراضی بایر	۱۵۹۵۱۵	-	-	-	-	-
کشاورزی	زراعی، باغات، دامداری و سایر	۱۲۹۵۶۱	-	-	-	-	-
	جمع کمبودها					- ۲۸۳۵۱	

ماخذ: مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۸۵

## ۲-۳- بررسی زمینه‌ها و میزان آمادگی مردم برای

## مشارکت در فقرزدایی از محله کشتارگاه

پدیده فقر معضلات چندی از جمله افت کارآیی انسانها، پیدایش بیماریهای اجتماعی و فساد در جامعه، عدم همبستگی اجتماعی جامعه، کاهش بهره‌وری اقتصادی، افت سلامت جسمی و روحی جامعه، زمینه بروز جنبشهای سیاسی و اجتماعی و... را در بردارد و بالاخره بعنوان مانعی هولناک بر سر راه توسعه پایدار جامعه محسوب و تداوم آن موجب استقرار «فرهنگ فقر» در جامعه می‌گردد. «فقر نیز همانند سایر افراد واجد این رفتار عقلایی هستند که سعی در حداکثر سازی درآمد و رفاه خود دارند» (حسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۴۲) و علاقمند به رفع پدیده فقر از خود، خانواده و محیط سکونت خویش هستند.

برای آگاهی از مسائل و مشکلات مردم و گرایش و زمینه‌های مشارکت آنها برای فقرزدایی از محله و ارتقا وضعیت آن (درگیر کردن مردم در فرآیند تولید راه حل‌ها) از روش گروه‌های بحث (دو گروه ۶ نفره زنان و یک گروه ۸ نفره مردان) استفاده شد. در این رابطه، با مطرح نمودن سئوال‌های خاص با جهت‌گیریهای ویژه به سوی هدف تحقیق، بصورت مستقیم و غیرمستقیم، از عقاید و اندیشه‌های گروه‌ها اطلاع حاصل شد:

- ابتدا گروه‌ها دارای روحیه ضعیف توأم با احساس درماندگی، محرومیت و انزوای اجتماعی بودند.
- با ایجاد انگیزه در راستای فعال سازی گروه‌ها، آنها مشکلات محله و دلایل آنرا را اولویت بندی کردند:

## جدول ۵- اولویت‌بندی مشکلات و علل آنها از نظر گروه‌های بحث

جنسیت گروه‌ها	مشکلات دارای اولویت	دلایل مشکلات
زنان	۱- وجود افغانه ۲- مصرف و فروش مواد مخدر ۳- عدم روشنایی معابر در شب ۴- وضعیت نامناسب بهداشت محله ۵- نبود امکانات گذران اوقات فراغت	۱- بی توجهی مسئولین، پایین بودن اجاره مسکن برای افغانه ۲- نبود کنترل و نظارت دقیق مسئولین، وجود اراضی بایر و افتاده بعنوان محل مناسب ۳- اهمیت نداشتن مردم و محله در نظر مسئولین، عدم پیگیری مردم ۴- فرهنگ پایین مردم، وجود فعالیتهای مرتبط با کشتارگاه مانند ذبح دام، فروش دام ۵- هزینه احداث آنها بالاست، بی مهری مسئولین و تبعیض گذاشتن توسط آنها میان محلات مرفه و فقیر، پایین بودن توقع مردم محله،
مردان	۱- بیکاری ۲- نبود فاضلاب ۳- تغییر فعالیت تمام پسماندهای مربوط به کشتارگاه ۴- تغییر نام محله از سوی سازمانهای رسمی ۵- وجود زمینهای افتاده بسیار	۱- نداشتن سرمایه و پس انداز شخصی، عدم ایجاد فرصتهای شغلی توسط دولت، پارتی بازی- بی سواد و کم سواد ۲- توجه دولت به محلات مرفه، بالا بودن هزینه تاسیس فاضلاب ۳- نبود قوانین و مقررات بازدارنده، سودجویی برخی افراد، اهمیت نداشتن آن برای مسئولین ۴- عدم پیگیری و توجه مردم برای تغییر نام، مسئولین هم اقدامی برای تغییر نام محله نمیکنند، ۵- نبود نظارت مسئولین، پایین بودن توان مالی مردم برای ساخت در مقابل سودجویی برخی مالکان برای افزایش قیمت آن

تصمیم و شیوه عمل برای بهبود شرایط زندگی خود و محله‌شان، کمک به انجام و اجرای تصمیماتی که

- در مرحله بعد گروه‌ها با روحیه مناسب آمادگی خود را برای مشارکت در ارائه نظرات، انتخاب بهترین

به موازات تشریح راهبرد بسیج اجتماعی- تبیین نقش مردم و دولت در آن- برای گروه‌های بحث، و گزینش برخی از مشکلات برشمرده شده توسط خود آنها، اقدام به طرح روش‌هایی برای تقویت روحیه زندگی در محله و بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی و خدماتی موجود نمودند:

توسط همیاری آنها و مسئولان در این زمینه اتخاذ شود را اعلام کرده و سپس راهکارهای خود را برای حل مشکلات محل ارائه نمودند که در ادامه آورده شده است.  
۳-۳- بازآفرینی محله کشتارگاه با راهبرد بسیج اجتماعی

**جدول ۶- نقش مردم و سازمان‌های محلی در حل مشکل امنیت اجتماعی محله کشتارگاه از منظر گروه‌های بحث**

مشکلات	نقش مردم و سازمان‌های محلی
عدم بروز سطح امنیت اجتماعی	- تدوین درخواست محلی برای خروج افغانه به مسئولین و پیگیری آن، - تشکیل گروه‌های همیار معتمد مردم و نظارت آنها بر اجاره واحدهای مسکونی به منظور جلوگیری از ورود افغانه - تدوین اعتراض نامه محلی و درخواست رسیدگی به وضعیت زمینهای بایر بویژه اراضی غیر محصور به مسئولین - تشکیل گروه‌های اجتماعی فعال و ارتباط آنها با مسئولین و مردم برای شناسایی و معرفی مالکین اراضی بایر - پیگیری گروه‌های اجتماعی فعال برای رسیدگی به وضعیت روشنایی محله - تشکیل کلاسهای آموزشی برای آموزش گروه‌های اجتماعی جهت نظارت اجتماعی بر وضعیت محله - دعوت از مسئولین بصورت دوره‌ای و تشکیل جلسات پرسش و پاسخ با گروه‌های اجتماعی فعال و انعکاس درخواستها و نظرات اهالی به آنها - برگزاری جشنها و مراسم مذهبی توسط گروه‌های اجتماعی فعال و دعوت از مردم برای شرکت به منظور آشنایی مردم محله با یکدیگر
	- رسیدگی و پیگیری درخواستهای مردم، تامین روشنایی معابر، اصلاح قوانین، پرهیز از اهمال در برخورد با افراد مخمل امنیت اجتماعی، ایجاد زمینه برای ارتباط گروه‌های اجتماعی محل با خیرین شهر برای دریافت خدمات آنها، مساعدت و همیاری شهرداری برای تسهیل در مجوز ساخت و ساز اراضی بایر، تأمین کمبودهای خدماتی در قسمت‌های مرتبط با محدوده در محدوده مورد نظر و به ویژه در جداره محورها و کانونها با تاکید بر استقرار فعالیتهای شبانه.

**جدول ۷- نقش مردم و سازمان‌های محلی در حل مشکل بیکاری در محله کشتارگاه از منظر گروه‌های بحث**

مشکلات	نقش مردم و سازمان‌های محلی
بیکاری	تشکیل صندوقهای همیار، معرفی افراد جویای کار از طریق گروه‌های اجتماعی فعال به سازمان کار و امور اجتماعی و سازمان‌های کاربایی و اختصاص سهمیه در رسیدگی به درخواستها، شناسایی و معرفی افراد بی سرپرست به انجمنهای خیریه
	تعامل با گروه‌های اجتماعی فعال در اختصاص سهمیه در سازمانهای کاربایی، استفاده از نیروهای بومی در عمران و آبادی محله، تشکیل صندوقهای پس انداز با اعتبار اولیه، تلاش جدی برای اخذ وام و اعتبار یا هرگونه کمک ملی و بین المللی، تلاش جدی برای ارتقا سطح سواد اهالی، ایجاد بازار روز در مجاورت محله و حمایت از آن، برگزاری دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، استفاده از محدوده خالی کشتارگاه به عنوان فضایی با پتانسیل بالا جهت تزیین فعالیت، ایجاد کانونهای فعالیتی مناسب با توجه به وضعیت شبکه معابر منتهی به محدوده

جدول ۸- نقش مردم و سازمانهای محلی در حل مشکل وضعیت نامناسب بهداشت محله کشتارگاه از منظر گروههای بحث

نقش مردم و سازمانهای محلی		مشکلات
فعالیت‌های مربوط به مردم	شرکت مردم در کلاسهای آموزش فرهنگ شهرنشینی، تبلیغات محلی و نظارت اجتماعی توسط گروههای اجتماعی فعال،	وضعیت نامناسب بهداشت محله
وظایف سازمانها	تلاش برای تغییر کاربری پسماندهای کشتارگاه، نظارت و رسیدگی بیشتر بر وضعیت بهداشت محله، تلاش جدی برای ملزم نمودن مالکین به محصوریت اراضی بایر و یا ساخت ساز در آنها، دایر کردن کلاسهای آموزش فرهنگ شهرنشینی، ارائه خدمات ویژه به خانوارها برای تشویق حفظ بهداشت محله و اماکن عمومی، تغییر نام محله کشتارگاه و اقدامات عملی مربوط برای تغییر نگرش منفی مردم شهر در این مورد، ایجاد یک قطب فعالیتی قدرتمند در محدوده و یا در نزدیکی آن به عنوان عامل محرک توسعه، استفاده از فضای سبز به عنوان عامل محرک فعالیتی و ارتقا زیست‌محیطی حوزه،	

#### ۴- نتیجه گیری

مشکلات محله شامل عدم امنیت اجتماعی (ناشی از

حضور افغانه، عدم روشنایی معابر در شب، مصرف و فروش مواد مخدر)، میزان بالای بیکاری و وضعیت نامناسب بهداشت و سلامت محله در رابطه با عدم مدیریت پسماندها، نبود سیستم دفع فاضلاب مناسب و وجود اراضی بایر و افتاده بسیار است.

- مردم از قابلیت توانمندی مدنی به معنی درک و

احساس تعلق به محله و پاسخگویی به پرسش «سهم دولت- سهم مردم» در بازآفرینی محله شان برخوردارند. از نظر آنها با توجه به انگیزه موثر و آمادگی آنها در مسئولیت پذیری، پیوند نزدیک مردم و مدیران شهری ضروری است. سهم دولت ایجاد فضای اعتماد آفرین توسط مسئولین شهری بصور مختلف منجمله نظارت اجتماعی و کنترل امور محله توسط دولت، وضع قوانین بازدارنده در مقابل مشکل عدم امنیت اجتماعی، ایجاد فرصتهای شغلی در محدوده، رفع تبعیض و رعایت عدالت اجتماعی در نقاط مختلف شهر در رابطه با استقرار امکانات، زیرساختها و خدمات شهری، بسترسازی ارتقای سلامت و بهداشت محله و... است (جدول ۵ تا ۸). به عبارت

- با توجه به کاربرد شاخص‌های میانگین هزینه خانوار، میزان بیکاری و نوع شغل سرپرست خانوار محله کشتارگاه دچار فقر اقتصادی است. هزینه خانوارهای محله نسبت به خانوارهای شهر یزد کمتر، میزان بیکاری بیشتر و مشاغل رده بالا در محله بسیار اندک است.

- بررسی شاخص‌های اندازه خانوار، توزیع سنی و میزان تحصیلات سرپرست خانوار، گرایش‌های بی‌نظمی و قانون‌گریزی توسط اهالی- بعنوان نماگرهای فقر اجتماعی- حاکی از ابتلای ساکنین این محله به پدیده فقر اجتماعی است.

- فقر خدماتی از حیث عدم کفایت کاربریهای مربوط به خدمات تجاری، آموزشی، مذهبی، درمانی، فضای سبز، ورزشی، بهداشتی و فرهنگی بر محدوده حاکمیت دارد.

- کاربرد روش گروه‌های بحث نشان داد: ساکنین بافت فرسوده شهری کشتارگاه، قادر به شناسایی، درک و فهم مسائل موجود محله خود و شیوه‌های مقابله و رفع آنها هستند. از نظر اهالی محله، مهمترین

رویکرد مناسبی برای پاسخگویی به این مشکل محسوب می‌شود.

### منابع

- آیینی، محمد و زهرا اسادات اردستانی، (۱۳۸۸)، هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه‌های توسعه درون زای شهری (نمونه موردی: رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری)، هویت شهر، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان، صفحات ۵۸-۴۷
- اوین‌الس، ام. میلر و سید عبدالصمد، (۱۳۸۱)، چشم انداز جهانی فقر، کتاب راهنمای پژوهش‌های بین‌المللی، وزارت جهاد کشاورزی، نشر روستا و توسعه، شماره ۴۲، چاپ اول. تهران.
- پاتریک، جی بویل، (۱۳۷۴)، برنامه‌ریزی در فرآیند توسعه، ترجمه علامرضا احمدی و سعید شهابی، تهران، انتشارات قفوس.
- پوراحمد، احمد و دیگران، (۱۳۸۹)، سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری، فصلنامه شهر ایرانی اسلام، سال اول، شماره ۱، صفحات ۹۲-۷۳.
- پیرایی، خسرو و شهریار شفیعی، (۱۳۸۰)، اندازه‌گیری فقر با تاکید بر خانوارهای شهری استان مازنداران طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۶۹، پژوهش‌های اقتصادی، سال اول، شماره ۱.

دیگر، در این باره نقش سازمان‌های محلی باید معطوف به « ظرفیت‌سازی و بسترسازی » اعم از تدوین برنامه‌های فقرزدایی، آموزش و ارتقا مهارت‌ها، تقویت نهادی، ایجاد زمینه مشارکت و... باشد. در رابطه با سهم مردم، باید بر دارایی‌های مردم و بعبارت دیگر کاربرد منابع درونی تکیه کرد. بسیج منابع مردمی برای مقاصد توسعه و رفع نیازها و مسائل کارآیی منابع بیرونی را نیز اثربخش‌تر خواهد کرد. برجسته‌ترین دارایی‌های مردم محله کشتارگاه انگیزه و آمادگی آنها برای فقرزدایی از خود و محله‌شان است. پس از آن آمادگی مشارکت واقعی در این راه بویژه « شناسایی مشکلات و روش‌های حل آن » و مهمتر از آن « بیان آورده‌ها و هدیه‌هایشان » در این خصوص است (جداول ۵ تا ۸). هم‌چنین، تشکیل و شرکت در گروه‌های اجتماعی فعال و تشکیل و شرکت در کلاسهای آموزشی مختلف با هدف ارتقای محیطی، اجتماعی و فرهنگی بعنوان بخش دیگری از سهم مردم توسط خود آنها مطرح شدند.

- مدیران شهری باید از یکسو بستر لازم برای بسیج نیروهای مردمی را فراهم نموده و با تشکیل جلسات و نشست‌های همگانی زمینه پیوند نزدیک میان مدیران شهری و اهالی را فراهم آورند و از سوی دیگر راسا به ایفای نقش و وظایف خود در عرصه‌های مختلف پردازند. پس، هرچند ساکنین محله کشتارگاه از انواع فقر شهری رنج می‌برند، لازم است برای رفع این معضل اشکال جدیدی از همکاری و تعامل میان مردم و مقامات محلی برقرار گردد و توسعه اجتماعی



سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، (۱۳۷۹)، برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم درآمد، معاونت امور اجتماعی، تهران

صادقی، حسین و ارشک مسائلی، (۱۳۸۷)، رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد با روند فقر در ایران با استفاده از رویکرد فازی، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.

فنی، زهره و یداله صادقی، (۱۳۸۸)، توانمندسازی حاشیه نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری مطالعه موردی: اسلام آباد، منطقه ۲ شهرداری تهران، فصلنامه جغرافیایی آمایش، سال دوم شماره ۷، صفحات ۷۳-۵۷.

قانع راد، محمدامین، (۱۳۸۴)، رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران، رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.

کتابی، محمود و دیگران، (۱۳۸۲)، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، پاییز، ۳۰-۵.

کلانتری، صمد و دیگران، (۱۳۸۴)، ارتباط فقر با قانونگریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی، رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۱۸.

ماهرویی، ابوالحسن، (۱۳۸۱) حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان، نشریه عدالت، شماره ۱۵.

محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی - بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی، نامه پژوهش فصلنامه تحقیقات فرهنگی، مرکز

پیمان، سیدحسین، (۱۳۸۶)، «ویژگی‌های مسکن خانوارهای شهری در طبقه‌های درآمدی»، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره ۴۱، پاییز، ۱۳۸۶.

جباری، حبیب، (۱۳۸۴)، رویکردهای اجتماع مدار در برنامه‌های کاهش فقر، رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.

جباری، حبیب و داود حسن زاده، (۱۳۸۷)، مداخله در بافتهای فرسوده شهری و چالشهای پیش رو، مقاله ارائه شده در اولین همایش بافتهای فرسوده شهری، سازمان عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، مشهد.

حسن زاده، علی، (۱۳۷۹)، بررسی عوامل موثر بر فقر (مطالعه موردی ایران)، پژوهشهای اقتصادی ایران، سال سوم، شماره‌های ۴ و ۵

راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی، (۱۳۸۵)، فقر در ایران طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۶۸، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۴

رحیمی، مجید و حمید محمدی، (۱۳۸۶)، شاخصهای فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.

رهنورد، فرج اله و نسرين حسینی، (۱۳۸۷)، عوامل موثر بر توانمندسازی زنان، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، ۱۱۸-۱۰۵

زیاری، کرامت الله و آذرخت نوذری، (۱۳۸۸)، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، تابستان، ۳۶-۲۱.

هادیزاده بزاز، مریم، (۱۳۸۳)، «حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان»، مشهد. انتشارات شهرداری مشهد.

Lowe, et al (1999), "Participation in rural development". Center for rural economy, 1999.

Sanoff, H, (2000), "Community Participation Methods in Design and Planning", New York: John Wiley & Sons,.

UN-HABITAT(2003), "The Challenge of Slums, Global report on human settlement.

پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مهندسين مشاور آمايشگران توسعه متوازن، (۱۳۸۷)،  
مطالعات ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی و اقدامات توانمند سازی اجتماعات آنها با تاکید بر بهسازی شهری با دیدگاه شهرنگر شهر یزد.